



جستار کیفیت؛ در جستجوی ذائقه از دست رفته گفت و گو با دکتر پرویز پیران

مصاحبه کننده: شیوا کمیزی

غیررسمی در موفقیت اقدام، قابل ارزیابی است؟ اگر رضایت‌مندی مردم برای ما مهم است، چطور می‌توانیم در بافت‌های مختلف هدف، به بیش‌ترین سطح رضایت‌مندی دست پیدا کنیم؟

مفهوم رضایت‌مندی، مفهومی سهل و ممتنع است، از این نظر که شما با عامه مردم در کلیت شهر درگیر هستید، یا اینکه در یک محله ساکنان مختلفی سکونت دارند و یا در یک محله خاص، طبقه اجتماعی مشخصی ساکن می‌باشند. در محله‌ای که مردم سرپناه ندارند، دستیابی به سرپناه، حال به هر شکلی رضایت‌مندی را به ارمغان می‌آورد. زیرا در چنان شرایطی، دستیابی به سرپناه از هر چیز دیگری برای آنها مهم‌تر است. به بیان دیگر، وقتی صاحب سرپناه می‌شوند، می‌توانند اجاره‌ای که با سختی پرداخت می‌کردند را صرفه‌جویی کرده و سطح زندگی‌شان را ارتقاء دهند. به همین دلیل این اشتباه در بین محققانی که روی مناطقی با مسکن خود ساخته - که به غلط حاشیه‌نشین یا واژه‌های منفی دیگری به کار برده می‌شود - این موضوعات پیش می‌آید که مردم آگاه نیستند یا مردم کاملاً از شرایط راضی هستند.

وقتی که اثری نامناسب ایجاد می‌شود و مردم به اجبار با آن زندگی می‌کنند و این آثار نامناسب و نادرست تکثیر می‌شود، به مرور سطح ذائقه ارزیابی مردم تنزل پیدا می‌کند.

این افراد نمی‌دانند که این رضایت لایه‌ها و درجات مختلفی دارد. افرادی که در خیابان می‌خوابیدند یا از روستا به شهر کوچ کرده بودند و امکانات اجاره خانه نداشته‌اند و مجبور بودند در شرایط دشواری زندگی کنند، زمانی که مالک مکانی مستقل می‌شوند، آنقدر کارکرد این سرپناه از نظر اقتصادی برایشان بااهمیت است که موجب ارتقای

• نظر شما در ارتباط با چرایی اهمیت یافتن موضوع کیفیت چیست و این کیفیت چگونه باید در بازآفرینی شهری تجلی پیدا کند؟

اساساً دنیای مدرن را دنیای کمیات نامیده‌اند. همان‌طور که با انقلاب صنعتی با ایجاد خط تولید مواجه هستیم و تولید انبوه شکل می‌گیرد، در تمامی زمینه‌ها از جمله معماری و شهرسازی نیز به دنبال انبوه‌سازی روبه‌رو هستیم. این انبوه‌سازی گرچه ممکن است ضرورت‌هایی را پاسخ دهد ولی متأسفانه معمولاً کیفیت را فدا می‌کند. یکی از نکاتی که در پست‌مدرن به آن اشاره می‌شود نه کنار گذاشتن کمیت بلکه ترکیب، سنتز و دیالکتیکی از کمیت و کیفیت است که این دو باعث می‌شود ضمن نیاز به سرپناه، به آبادی شهر نیز نیاز باشد. این آبادسازی با کیفیت‌ها و معیارهای گوناگونی همراه است که بسیار حائز اهمیت هستند. نکته بعدی توجه ویژه به آموزش است. مردم عادی اطلاعات کافی در زمینه معماری نداشته و دانش آنها در زمینه شهرسازی، تجربی است. به‌هر حال وقتی که اثری نامناسب ایجاد می‌شود و مردم به اجبار با آن زندگی می‌کنند و این آثار نامناسب و نادرست تکثیر می‌شود، به مرور سطح ذائقه ارزیابی مردم تنزل پیدا می‌کند. گویی معماری این چنین است. وقتی در چنین شرایطی اکثر سازه‌ها و آثار هنری با کیفیت همراه نیست، زمانی که یک کار کیفی انجام می‌شود، زمینه بصری و تجربی برای مردم عادی و برای مقایسه اقدامات پیش می‌آید و این مقایسه به آموزش‌دهی مردم کمک می‌نماید و پس از آن مردم دنبال مقایسه بوده و مشاهده کرده و تفکر می‌نمایند. پس کیفیت به تدریج در جریان زندگی جاری می‌شود و جهت توجه به کیفیت‌های محیطی معیار مقایسه‌ای فراهم می‌آید. بنابراین متولیان کیفیت در شهر که به آن بی‌توجه هستند، آگاه می‌شوند که مردم سره را از ناسره تشخیص می‌دهند و این جریان به افزایش کیفیت کمک می‌نماید.

• به نظر شما نقش رضایت‌مندی کاربران و بهره‌برداران از یک اقدام در قسمت‌های مختلف شهر چون بافت‌های تاریخی، بافت‌های میانی، سکونتگاه‌های